

اهمیت آگاهی عامه در امر حفاظت از محیط زیست

نویسنده: نوید «رهنورد»

چکیده

انسان در طول تاریخ، در پی آرام زیستن و خوب زیستن بوده و در بر آورده شدن این خواست خود از هیچ تلاشی دریغ نکرده است. این تلاش، در بسیاری از مواقع به نفع نوع آدمی بوده است. اما این پیشرفت‌ها، عواقبی نیز در پی داشته است که غالباً به صورت چالش‌های بروز کرده که گاهاً، حتی حکومت‌ها از پس حل آن بر نمی‌آیند. فارغ از مشکلات کلان زیست محیطی، مشکلات بزرگ دیگری هم وجود دارند که همکاری و مسئولیت‌پذیری عامه مردم، می‌تواند بر آن غلبه نماید. اما به دلیل عدم آگاهی عامه مردم، این چالش‌ها آنقدر بزرگ می‌شوند که حکومت‌ها هم قادر به حل آن نیستند.

برای اینکه بتوان از سد این مشکلات عبور کرد، در وحله اول باید به مردم آگاهی داد. آگاهی دهی برای عامه مردم می‌تواند تا سقف ۶۰٪ این مشکلات را مرفع سازد؛ زیرا آگاه‌سازی مردم سبب به وجود آمدن احساس مسئولیت در میان اقشار مختلف جامعه شده و این خود زمینه‌ساز راهکارهای می‌شود، در امر حفاظت از محیط زیست.

بنابراین روشن و مبرهن می‌شود که «آگاهی دهی عامه، در امر حفاظت از محیط زیست» اهمیتی دارد؛ که تلاش‌های پیگیرانه‌ای ادارات مسئول را میتواند در کمترین زمان، ممکن و عملی سازد. تلاش‌هایی که شاید سال‌ها را برای نایل شدن به نتایج آن، صرف کنیم.

لغات کلیدی^۱

۱. **محیط زیست The environment**: مجموعه‌ای از عوامل فیزیکی خارجی و موجودات زنده که با هم در کنش هستند، محیط زیست را تشکیل می‌دهند و بر رشد و نمو و رفتار موجودات تأثیر می‌گذارند.
۲. **حفاظت از محیط زیست Environmental Protection**: هرگونه عملیاتی که برای نگهداری محیط زیست یا جلوگیری از تخریب آن صورت می‌گیرد، گفته می‌شود.
۳. **آگاهی Awareness**: توانایی دانا شدن و درک کردن - برای احساس کردن - یا کسب معرفت از رویدادها است. آگاهی به طور گسترده‌تر، حالت هشیار بود کسی یا چیزی است.
۴. **آلودگی Pollution**: به ورود آلاینده‌ها به یک محیط که باعث ناپایداری، اختلال، آسیب یا ناراحتی برای موجودات زنده شود گفته می‌شود. این آلودگی‌ها می‌تواند: صوتی، کیمیاوی، صنعتی و ... باشد.
۵. **چالش Challenge**: به «وضعیت و پدیده‌ای جدید و دشوار که مواجهه با آن تلاشی سخت و تعیین‌کننده را ایجاب کند» اطلاق می‌شود و در حالت مصدری، به معنای «زیرسؤال کشیدن و ایجاد تردید در امری است از جنبه حقیقت، ارزش یا قدرت و توان آن.»

۱. تعاریف کلمات بر گرفته شده از دانشنامه ویکیپدیا و وی سایت ویراستاران می‌باشد.

مقدمه

انسان در طول تاریخ، در پی آرام زیستن و خوب زیستن بوده و در بر آورده شدن این خواست خود از هیچ تلاشی دریغ نکرده است. تلاش های انسان باعث شده است تا به مدارج اعلی ای برسد، پیشرفت کند و خواسته های خود را بر دیگران بقولاند. این تلاش ها در بسیاری از مواقع به نفع نوع آدمی بوده است. اما این پیشرفت ها، عواقبی نیز در پی داشته است که غالباً به صورت چالش های بروز کرده که گاهاً، حتی حکومت ها از پس حل آن بر نمی آیند. به عنوان نمونه بحران گرم شدن کره زمین، به دلیل ورود بیش از حد گازهای گلخانه ای در جو، باعث شده تا بسیاری از حکومت ها نتوانند به تنهایی از پس حل این مشکل بر بیایند از این رو حکومت ها باهم، دست به هم داده اند تا به این مشکل غلبه نمایند.

فارغ از مشکلات کلان زیست محیطی، مشکلات بزرگ دیگری هم وجود دارند که همکاری و مسئولیت پذیری عامه مردم می تواند بر آن غلبه نماید؛ هر چند که آن مشکل خیل بزرگ هم باشد. اما به دلیل عدم آگاهی عامه مردم، این چالش ها آنقدر بزرگ می شوند که حکومت ها هم قادر به حل آن نیستند. مثلاً: نداشتن آگاهی در مورد ضرر های محصولات پلاستیکی برای انسان، حیوان و یا هر جاندار دیگری، سبب شده که امروزه این مشکل به یک بحران جهانی مبدل شود. اگر در همان اوایل در مورد اضرار محصولات پلاستیکی مثل: عدم تجزیه پذیری سریع این محصولات در طبیعت، سرطان زا بودن استفاده از این محصولات، روش های برای بازیافت این محصولات و ... آگاهی داده می شد، چنین بحرانی را شاهد نبودیم.

با دانستن این موارد؛ جایگاه اهمیت آگاهی عامه در امر حفاظت از محیط زیست کاملاً واضح و روشن می شود. بدون آن هم، اندکی اگر در بحران های به وجود آمده برای محیط زیست، دقت کنیم خواهیم فهمید که آگاهی عامه از چه جایگاهی برخوردار است. به این منظور در زیر به چند مشکل عمده که در بسیار از مواقع از جمله چالش های جدی فرا روی محیط زیست و حفاظت از آن قرار دارد، اشاره کرده و راه های حل آنها را نیز بر می شماریم.

۱. کمبود آب نوشیدنی (با صرفه جویی در استفاده از امکانات و منابع طبیعی مرفع خواهد شد).
۲. گرد و غبار (ایجاد فضاهای سبز و پارکهای تفریحی این مشکل حل خواهد شد).
۳. نابودی جنگلات (با ترویج فرهنگ حفاظت از محیط زیست و غرس نهال در نقاط مختلف شهرها رفع خواهد شد).
۴. معضل محصولات پلاستیکی (با استفاده مجدد ازین، کم کردن استفاده از آنها و بازیافت آنها قابل حل است).
۵. آلودگی آب های زیرزمینی (با حفر چاه ها معیاری، استفاده کمتر از مواد فاسفورس دار و آفت کش ها رفع شدنی است).
۶. آلودگی صوتی (با ترویج فرهنگ شهر نشینی، داشتن احساس مسئولیت و احترام به دیگران بر طرف خواهد شد)

دیده می شود که غالب چالش های فرا روی محیط زیست، با آگاهی دهی، آگاه سازی و فرهنگ سازی قابل حل است به استثنای چالش های که عامه مردم و شهروندان از حل آنها عاجز اند؛ پس آگاهی عامه در امر حفاظت از محیط زیست اهمیت بزرگی دارد که توانایی بحران سازی و بحران زدایی را دارد.

نوید رهنورد

تابستان سال ۱۳۹۹/۶/۱۰

کابل، افغانستان

اهمیت آگاهی عامه در امر حفاظت از محیط زیست

هر موجودی؛ مخصوصاً انسان، از بدو تولد برای ادامه زندگی، به پیش نیازهای ضرورت دارد؛ چون بدون این پیش نیازها، ادامه زندگی متصور نیست. این پیش نیازها عبارت از: هوا برای تنفس، غذا برای رفع نیازهای زیستی و مکان برای به سر بردن زندگیست. حالا؛ اگر بپرسیم بدون یکی از این سه موردی که نام برده شد، می توان به زندگی خود ادامه داد؟! بدون تردید پاسخ منفیست؛ چون انسان یا هر موجود دیگری،^۲ برای اینکه بدنش بتواند اکسیجن بگیرد و کاربن دای اکساید خارج کند و یا اینکه بدنش بتواند عملیه متابولیسم را انجام دهد، به هوا نیاز دارد. در صورتی که هوای وجود نداشته باشد یا هوای آلوده را تنفس کنند؛ قطعاً بیمار یا از بین خواهد رفت. عدم وجود غذا هم به همین سان سبب از میان رفتن انسان یا هر موجود زنده ای دیگر خواهد شد. لیکن اگر مکان مساعدی برای زندگی وجود نداشته باشد چطور؟ در این صورت است که یا باید با شرایط نامساعد، خود را وفق دهیم -با زندگی کردن در مکان های بسیار سرد مثل: قطب شمال یا بسیار گرم مثل: لیبیا- یا مکان مورد نظر خود را کاملاً تهی از سکنه سازیم همانند: قاره انترکتیکا.^۳

پس این کنش و تعامل موجودات زنده با محیط پیرامون شان، که هر یک از عوامل فیزیکی، یکی بر دیگری تأثیر می گذارند و از یکدیگر تأثیر می پذیرند؛ محیط زیستی است که تمام موجودات زنده به آن وابسته اند و بدون آن یا در صورت بروج نقض در یکی از عناصر ساختار زیستی؛ خللی جبران ناپذیر به وجود خواهد آمد یا به کلی منجر به توقف خصوصیتی از خصوصیات زیستی خواهد شد. مثلاً؛ در اثر گرم شدن کره زمین، بیشتر یخچال های قطب شمال شروع به ذوب شدن کرده اند که این موضوع سبب بروز مشکلاتی برای خرس های قطبی و مخصوصاً برای مکان های شده است که انسان ها در آن زندگی می کنند.

بنابر این مستدلالت؛ همه به این معترفیم که محیط زیست، مخصوصاً حفاظت از آن، نه تنها باعث خوب زیستن می شود بل منجر به پایداری گونه های جانوری و زیستی ای می شود که ما به آنها و آنها نیز به ما وابسته اند. اما گه گاهی؛ خواسته یا ناخواسته، قصداً یا سهواً، مستقیم یا غیر مستقیم در ناهنجار سازی، تغییرات و یا حتی در از میان رفتن محیط زیست خود سهیم می شویم. البته دخالت های ما در به وجود آوردن شرایط نامساید زیستی، گاهی مشهود و واضح است و گاهی هم غیر مشهود بوده و عوارضی را که به وجود می آورد نیز تدریجیست.

از جمله مهمترین عواملی که باعث می شود تا هنجار های محیطی و زیست محیطی، رویکرد عادی خود را نپیمایند عبارت اند از: ازدیاد نفوس و جمعیت جهان، تراکم نفوس در محدود های کوچک، پیشرفت کارخانه های صنعتی و به تعقیب آن ایجاد زباله های صنعتی و کیمیاوی، نبود هماهنگی ادارات دولتی و خصوصی در امر مبارزه با چالش های محیط زیستی، عدم رعایت فرهنگ شهری و در نهایت موارد دیگری از این دست. که خوشبختانه در این اواخر اداری مستقلی برای پیشگیری و حفاظت از محیط زیست ایجاد شده است و در این راستا، اقدامات بس مهمی را نیز به سر رسانیده اند. لیکن شهود موجود، دال بر این واقعیت است که با وجود پیکار های بیشمار صورت گرفته؛ هنوز چالش های رو به رشد زیست محیطی مرفع نشده که هیچ، این چالش ها رو به افزایش نیز هست.

به گفته محمد هارون حیران (کارشناس محیط زیست و استاد دانشگاه): حفاظت از محیط زیست، کار چند نفر و چند اداره نبوده، بلکه همکاری همه گانی را میخواهد و نیاز است تا تک تک شهروندان در برابر حفاظت از محیط زیست احساس مسئولیت نمایند.^۴ پس نبود همکاری همه گانی، آگاهی نداشتن شهروندان و عامه مردم از ارزشمند بودن محیط زیست و نبود احساس مسئولیت در میان شهروندان، مسبب به نتیجه نرسیدن تلاش هایی برای حفاظت از محیط زیست شده و پیکار های ادارات مسئول نیز مثمر

۲. منظور از موجودات ماکروسکوپی است نه میکروسکوپی چون؛ موجودات میکروسکوپی شرایط زیستی متفاوتی نظر به موجودات ماکروسکوپی دارند.

۳. کنایه ای برای اینکه اگر وضع موجود به همین سان ادامه یابد و هوای کره زمین گرم تر و گرم تر شود، بسیاری از مکان ها یا خیلی داغ یا خیلی گرم و یا هم زیر آب خواهد رفت. بدین سان مجبوریم تا امکان مورد نظر را تهی و خالی از سکنه سازیم.

۴. صفحه انترنتی روزنامه هشت صبح

ثمر واقع نشده است. از این روست که آگاهی دهی به شهروندان و عامه مردم، در امر حفاظت از محیط زیست، از اهمیت به سزای بر خوردار است و نمی توان آنرا -جزء- فرعی دانست، بلکه جزء اساسی ای است که باید -امر آگاهی دهی- در اولیت کاری ادارات ذی دخل و ذی صلاح قرار گیرد.

هر چند امر آگاهی دهی تنها بار دوش ادارات ذی دخل نیست بلکه هر اداره ای نظر به توانایی مادی، معنوی و انسانی ای که دارند، باید آستین بالا زده و آگاه سازی در مورد حفاظت از محیط زیست را در اولیت های کاری خویش قرار دهند. اما ادارات مسئول بنابر داشتن بودیجه های مختص آگاهی دهی باید بیشتر از ادارات دیگر در این امر سهیم باشند و الگویی شوند تا دیگران از تجارت و دست آورد های شان آموخته و مسئولیت پذیری را جز امور زندگی و عادات خویش بر شمارند.

از سوی دیگر اگر امر آگاهی دهی انجام شود اما به موقع و به شکل درست آن انجام نپذیرد؛ بازهم باعث معضلاتی می شود که بعدها نمی توان از عهده حل و فصل آن بر آمد. به این دلیل که تأخیر در آگاهی دهی عموم مردم باعث می شود تا نیروی بیشتری برای حل مشکلات به خرج دهیم و معضلات رونما شده را مرفع سازیم؛ یعنی بعد از بروز مشکل هر اداره باید بیشتر از توان و بیشتر از حد پرسول خود، تلاش به خرج دهد تا مسئولیت محوله خود را به سر انجام برساند. مثلاً: اگر شهرداری کابل را در نظر بگیریم؛ می بینید که شهرداری کابل توان مقابله با حجم انبوهی از زباله های که هر روز به حجم آن افزوده می شود را عملاً از دست داده است و دلیل اش هم، عدم آگاهی دهی به موقع برای عامه مردم می باشد.

اگر برای عامه مردم پیش از بروز این مشکل آگاهی داده می شد و برای آنها چنین ذهنیت سازی می کردن که شهر؛ همانند خانه خود آنهاست و آنها خود مسئولیت دارند تا شهرشان را پاک نگهدارند، آنها دیگر چنین نمی پنداشتند که هر چه دل شان خواست می تواند با زباله های خود انجام دهند و اینطور هم فکر نمی کردند که پاک کاری شهر، تنها و تنها وجیبه و مسئولیت شهرداری کابل است.

آگاهی دهی عامه، در امر حفاظت از محیط زیست از این جهت نیز حائز اهمیت است؛ که عامه مردم اکثریت را تشکیل می دهند و در صورت استخدام در اداره ای، بازهم تمامی امورات شخصی و اجتماعی شان منوط و گره خورده با عامه مردم و شهروندانی است که در پیرامون او وجود دارند و باید آنها را از آنچه انجام دهند آگاه ساخت. این مورد را نیز نباید از نظر انداخت؛ تا زمانی که شهروندان و عامه مردم از مسئولیت ها، وجایب و اهمیت همکاری شان، آگاهی نداشته باشند، نمی توان آنها را مسئول عملکرد شان دانست -نه در تمامی کارها و عملکرد شان- مثل: انداختن زباله بر روی جاده، کوچه و پس کوچه ها، نداشتن زباله درون زباله دانی، رفع حاجب در کنار دیوارها و ... بل در اموراتی که از آنها آگاهی ندارند و گاهی از جمله موضوعات تخصصی به شمار می روند. مثل: حفر غیر معیاری چاه های فاضلاب، قطع بی رویه جنگلات، استفاده ای بیش از حد از پلاستیک و محصولات پلاستیکی، مصرف مواد کیمیاوی ضد آفت در زراعت و کشاورزی، استفاده از پودر های لباسشویی و مایعات ظرفشویی، احداث فابریکه ها در درون و یا نزدیک ساحات رهائشی، که هر کدام به نوبه خود مشکلات و چالش های را سد راه نگهداری و حفاظت از محیط زیست به وجود می آورند.

جدی ترین چالش فرا راه شهروندان افغانستان به ویژه کابل نشینان، وضعیت نامساعد محیط زیست و یا آلوده گی های جدی آب و هوا است؛ در خصوص آلوده گی آب، و به صورت مشخص آب های زیرزمینی اداره ای ملی حفاظت از محیط زیست می گوید که بیشتر از ۷۰ درصد آب های زیر زمینی کابل آلوده به باکتری های مضره شده است. این معضل جدی ترین مشکل نه تنها برای مردم افغانستان بل برای تمامی ساکنان کره خاکبست که هم اکنون بسیاری از کشورهای جهان را به چالش روبرو کرده است از جمله کشور ایران با (معضل کم بودن آب نوشیدنی و توفان های گرد و غبار) دست و پنجه نرم می کند. کشور هندوستان با (معضل تراکم بیش از حد زباله که باعث آلوده شدن آب های زیر زمینی می شود) دست و پنجه نرم می کند و به همین منوال

۵. صفحه انترنتی روزنامه هشت صبح

۶. صفحه انترنتی روزنامه هشت صبح

کشور های دیگر جهان با معضلاتی؛ چون راه یافتن زباله درون اقیانوسها، نبود آب نوشیدنی، دود و گرد و غبار به دلیل استفاده بیش از حد اراده جات، دست به گریبان اند. و اکثریت این مشکلات عدم آگاهی عامه مردم، عدم همکاری مردم با دول، عدم همکاری دولت ها و عدم مسئولیت پذیری شهروندان آنهاست.

برای اینکه بتوان از سد این مشکلات عبور کرد، در وحله اول باید به مردم آگاهی داد. آگاهی دهی عامه مردم می تواند تا سقف ۶۰٪ این مشکلات را مرفع سازد؛ زیرا آگاه سازی مردم سبب به وجود آمدن احساس مسئولیت در میان اقشار مختلف جامعه شده و این خود زمینه ساز راهکارهای می شود در امر حفاظت از محیط زیست. مثلاً: عدم آگاهی عامه مردم از عواقب ناگوار قطع جنگلات؛ باعث شده تا مردم به قطع نمودن بی رویه جنگلات روی بیاوند. نه تنها قطع نمودن آنها بل قاچاق (چارتراش) به کشور های همسایه. اگر از خطرات قطع شدن جنگلات که باعث فرسایش، تخریب، کاهش توان زمین، از بین رفتن ساحات سبز، آسیب دیدن حیات وحش و سبب آلوده شدن هوا، می شود؛ آگاهی یابند، قطعاً در عملکرد خود تجدید نظر خواهد کرد.

آگاهی دهی می تواند توسط گروه های آگاهی سازی که از طرف ادارات ذی ربط یا موسسات، اداره می شوند به اجرا گذاشته شود و یا با استفاده از وسائل ارتباط جمعی مثل تلویزیون، رادیو و شبکه های اجتماعی مثل: فیسبوک، توئیتر، و واس آپ. البته این آگاهی دهی باید با شرایط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آن جامعه متناسب باشد؛ چون نمی توان مناطق دوردستی را که با شبکه های اجتماعی آشنایی ندارند، با استفاده از شبکه های مثل فیسبوک یا تلگرام آگاهی دهی نمود. یا مناطقی که با تکنولوژی های نوین روز عجین شده اند را با استفاده از رادیو آگاهی دهی کرد. پس تناسب و روش های آگاهی دهی باید متناسب حال آگاهی شونده گان باشد.

مورد بعدی متوجه دولت ها، ادارات ذی ربط و اداراتی است که مسئولیت پخش و نشر را به عهد دارند. دولت ها باید با استفاده از آگاهی دهی، پیگیری، قاطعیت در برخورد با متخلفین و فرهنگ سازی، با چالش های زیست محیطی مقابله نمایند. واضح است که در بسیار موارد، عامه مردم قادر به اتخاذ تصمیم بزرگ نیستند. از این لحاظ دولت ها باید با چالش های که سد راه حفاظت از محیط زیست می شوند، مقابله کرده و راه را برای عموم باز کنند. مواردی که باید دولت ها در آن نقش بارز داشته باشند؛ این است که بودیجه کافی را برای حفاظت از محیط زیست فراهم سازند، پیگیر پروژه های باشند که در راستای حفاظت از محیط زیست فعالیت دارند، قوانینی را جهت حفاظت از محیط زیست وضع نمایند و با متخلفینی که از اجرایی شدن قانون ابا می ورزند با قاطعیت برخورد نمایند.

اجرا شدن قانون و برخورد قاطعانه، خود موجب می شود تا عامه مردم یا از تخلف در امر اجرایی شدن قانون دوری گزینند یا از خطراتی که منجر می شود تا به محیط زیست آسیب برسد، خودداری کنند. مثلاً: هنگامی که دولت با مالکان حمام ها به دلیل نقض قانون، برخورد می کند، دیگر مالکان چنین اماکن از چنین کاری خودداری خواهند کرد و عامه مردم بعد از جویا شدن موضوع، به این مسئله پی می برند که دود ناشی از سوختاندن چرم و پلاستیک در این اماکن؛ سبب آلوده شدن هوا و ایجاد امراض مختلف تنفسی می شود.

بنابراین روشن و مبرهن است که «آگاهی دهی عامه، در امر حفاظت از محیط زیست» اهمیتی دارد؛ که تلاش های پیگیرانه ای ادارات مسئول را میتواند در کمترین زمان، ممکن و عملی سازد. تلاش هایی که شاید سال ها را برای نایل شدن به نتایج آن، صرف کنیم. شایان ذکر است که آگاهی دهی باید از کوچکترین عنصر یک اجتماع آغاز شود؛ یعنی فامیل. در میان هر فامیل هم هر فرد آن فامیل باید این مسئولیت خطیر را به دوش گرفته، دوشادوش ادارات مسئول، از عواقب و زیان های جبران ناپذیری که محصل عدم حفاظت از محیط زیست اند و روزی گریبان گیرشان خواهد شد، آگاهی دهی و آگاه سازی نمایند.